

گفتار سردیبر

ما هرگز خودمان را نخواهیم شناخت، اگر فقط خودمان را بشناسیم (برونتیر^۱، به نقل از انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۷)

بارها در این سخن برونیتیر (۱۸۴۹-۱۹۰۶) اندیشیده‌ام و هر زمان که آن را برای دانشجویان درس ادبیات تطبیقی بازگو کرده‌ام، باشور و اشتیاق وافر آن را یادداشت کرده‌اند و چنین پدیدار بود که از آن لذت می‌برند. از نظرگاه این عبارت حکیمانه گویی «جهان امروزی، بیش از هر چیز نیازمند حکمت است.» (نصر، ۱۳۷۹: ۲۷۶)

شناخت خود یا آنچه در جهان‌بینی اسلامی به «معرفة النفس^۲» معروف است، امری حیاتی، اما مستلزم شناخت «دیگری» است؛ درحقیقت، آگاهی و شناخت از فرهنگ‌های دیگر، ما را از توانایی‌ها و کاستی‌های فرهنگی خود و دیگران، آگاهی و بیداری می‌بخشد و از سوی دیگر، شناخت دیگران، موجب دوستی، مهرورزی و کاستن از تعصبات و خودبرتربینی‌های فرهنگی و تمدنی می‌شود؛ اما پس از این همه سال، بازگو کردن این عبارت، پرسش ساده اما کلیدی دیگری برای مخاطب مطرح می‌کند که آن «خود» و «دیگری» چگونه «خود» و «دیگری» است؟ به یقین، آن خود و دیگری، همان «انسان» است.

طرح پرسش یادشده، ذهن ما را به بیان این عبارت، سوق می‌دهد که بگوییم: ادبیات تطبیقی را می‌توان یکی از دانش‌های مکمل «انسان‌شناسی» دانست؛ زیرا «هر منظومه، معرفتی را که به بررسی انسان یا بُعد یا ابعادی از وجود انسان و یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد، می‌توان انسان‌شناسی نامید. انسان‌شناسی انواع مختلف و متنوعی دارد که به لحاظ روش یا نوع نگرش از یکدیگر متمایز می‌شوند.» (رجبی، ۱۳۷۹: ۱۶)

به هر حال، آرمان و بنیاد ادبیات تطبیقی، پژوهش‌های سطحی و بی‌مایه‌ای نیست - که ادبیات امروز ما با آن در نزاع و کشمکش است-؛ بلکه شناخت واقعی انسان و احترام به کرامت و منزلت انسانی، پنهانی‌ترین و جدی‌ترین هدفی است که ادبیات تطبیقی از آغاز تاکنون در پی بیان و ترویج آن بوده است؛ اما این خود و دیگری یا همان انسانی که ادبیات تطبیقی در پی طرح گفتمان دیالکتیک میان ایشان است، بایسته است که از رنج استعمار، استبداد، استثمار، ناسیونالیسم، فاشیسم، لیبرالیسم، اومانیزم، کاپیتالیسم و... به دور باشد و چه شورانگیز است تصور آن آرمان‌شهری که انسان‌ها با وجود تکثر و تعدد فرهنگی، در صلح، آرامش، دوستی و مهرورزی به سر ببرند و جنگ و نزاع از میان ایشان رخت بندد؛ بنابراین گویی تمام ادبیات تطبیقی، حکایت همین دو بیت معروف سعدی شیرین سخن است:

1. Ferdinand Bruntiere

۲. امام علی (ع) خودشناسی را از برترین دانش‌ها می‌داند: «افضل المعرفة، معرفة الانسان نفسه.» (غرر الحکم، باب معرفة النفس، به نقل

از گرامی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

منابع

انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹). ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران. *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان، زبان و ادبیات فارسی*، (۱/۱)، ۶-۳۸.

رجبی، محمود (۱۳۷۹). *انسان‌شناسی*. چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی، امام خمینی (ره).

گرامی، غلامحسین (۱۳۹۰). *انسان در اسلام*. چاپ چهاردهم، قم: دفتر نشر معارف.

نصر، حسین (۱۳۷۹). *نیاز به علم مقاس*. ترجمه حسن میاننداری. چاپ اول، قم: طه.

الله ولی التوفیق والسداد

تورج زینی‌وند